

مهدی مطهرنیا ، : | منطق سیاسی ایران در اوپک



ایران تلاش دارد اوپک را به عنوان یک سازمان پیشرو از طلاق عاطفی خارج و به وحدت نظر بیشتر بر مبنای منافع سیاسی اوپک هدایت کند. آنچه زنگنه می‌گوید، یک منطق سیاسی قدرتمند برای اعضای اوپک در برابر خریداران نفتی است که بیش از هر چیز به دنبال آن هستند اوپک را در وضعیت ضعیف شده نگه دارند. نوعی طلاق عاطفی میان اعضای اوپک در مقام تمثیل کاملاً نمود دارد.

بنابراین اگر بافت متن اوپک را مشاهده کنیم، اگرچه روس‌ها گاه و بیگاه در کنار تهران قرار می‌گیرند و به نقد رفتارهای دیگر اعضای اوپک می‌پردازند، اما باید اذعان داشت هر کدام از اعضای اوپک نه بر مبنای منافع جمعیت و یا جماعتی به نام صادرکنندگان نفت اوپک با هم همکاری کنند، بلکه بر مبنای منافع خاص خود و امتیازاتی که در بازار نفت برای خود در نظر دارند، دنبال آن هستند که زمینه‌ساز و زمینه‌پرور ایجاد فضای مناسب برای همکاری‌های بین‌المللی خود باشند و از نفت به عنوان یک حربه سیاسی و نه حربه اقتصادی برای توسعه ملی استفاده کنند.

عربستان همواره با تولید نفت خود و همچنین کاهش و افزایش آن سعی می‌کند زمینه‌ساز استفاده از نفت به عنوان ابزار سیاسی همسو با منافع خود و متحدان فرامنطقه‌ای‌اش یعنی آمریکا باشد. در این میان، روس‌ها هم اگرچه در دادن شعار از عربستان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت در جهان، خود را پیشروتر نشان می‌دهند و از استقلال نسبی بیشتری برخوردارند، اما آنها هم منافع و اهداف خود را دنبال می‌کنند و در بزنگاه‌های تاریخ، با آنکه ایران را شریک استراتژیک خود می‌خوانند، از نفت به عنوان حربه سیاسی استفاده کرده و به عکس، برای گرفتن امتیاز سیاسی از ایالات متحده از برگ ایران و نفت بهره برده و همانگونه که دیدیم در مقوله نفت و تولید نفت هیچگاه حاضر نشدند تولیدات خود را به واسطه فشارهایی که بر ایران می‌آید، کاهش دهند تا بازار نفت دچار نوعی شوک معنادار در جهت فشارها و تحریم‌ها به ایران شود.

از طرف دیگر، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک چالشگر نظام بین‌الملل بر آن بوده تا همواره به نقد رفتارهای دیگران اقدام کند، اما در ارتباط با رفتار خود مواضع‌اش را به هیچ وجه از منظر سیاسی مورد لغزش قرار ندهد. اگر این معنا را بپذیریم که قرار بوده اوپک یک سازمان اقتصادی برای صدور نفت، توسعه ملی کشورها و حفظ ارزش و قیمت نفت در بازار عرضه و تقاضای جهانی باشد، اکنون از اهداف خود دور شده و تلاش دارد از نفت در هر کدام از برهه‌های تاریخ، به عنوان اهرم فشار بین‌المللی سود بجوید.

در این میان باید بدانیم که نفت خاورمیانه، دیگر به عنوان کالای استراتژیک مطرح نیست. آمریکایی‌ها خود به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان تبدیل شده‌اند و همه اینها نشان می‌دهد که مواضع جمهوری اسلامی ایران از منظر منطق و سپهر فکری حاکم بر اوپک که اکثریت سیاسی را در درون خود پنهان داشته است، یک موضع منتقدانه و در عین حال نزدیک به واقعیتی بوده که همواره تلاش کرده از نفت برای ایجاد فضای مناسب تعادل میان کشورهای فرادستی و فرودستی بهره ببرد و تنها نقطه قوت ایران در بهره‌برداری سیاسی از نفت در پس از پیروزی انقلاب اسلامی آن بوده که ایران تلاش کرده از این امتیاز ملی خود به نفع منطقه و کشورهایی استفاده کند که خواه و ناخواه تحت سیطره قدرت‌های فرامنطقه‌ای قرار گرفته بودند.